

سیمای حجاب و فواید آن در عقل و نقل



محمد علی تابعی *

محمد اکبری بورنگ **

چکیده

سیمای حقیقی حجاب، حضور در لباسی است که زن با مدد آن بتواند بدون آسیب‌های اجتماعی و روحی به انجام وظایف دینی و اجتماعی خود همت گمارد. دلایل عقلی برای فواید و آثار حجاب و عفاف فراوان است و در متون دینی نیز نقل‌ها و روایات معتبر بسیاری برای بیان کم و کیف این آثار و فواید حجاب و عفاف موجود است که از آن جمله می‌توان امنیت اجتماعی، تعالی معنوی، سلامت روحی و بهداشت جنسی، آرامش و استحکام خانواده را برشمرد. حجاب ضمن تأثیر بر سلامت اخلاقی جامعه، پاکي و طهارت و ارتقای شخصیت زن، نه تنها مانع آزادی او نمی‌شود، بلکه به او نقش دفاعی در برابر آسیب‌های فردی و اجتماعی می‌بخشد.

کلیدواژه‌ها: حجاب، عفاف، فایده، عقل، نقل، زن، اجتماع.

مقدمه

یکی از نیازهای حقیقی و مسلم در زمینه‌های تربیتی، دینی، اخلاقی و فرهنگی، مسئله حجاب و عفاف است؛ هرچه الگوهای حجاب دارای مراتب عالی‌تر و متعالی‌تری باشند، تأثیر بیشتری بر معنویت و دینداری فرد و جامعه خواهند گذاشت و هر چه حجاب فردی و اجتماعی متعالی‌تر باشد، نورانیّت، تقدّس و حرمت اخلاقی و رشد و تعالی جامعه اسلامی بیشتر خواهد بود و هر چه خلأ در این زمینه محسوس‌تر باشد، مشکلات و آسیب‌های سلامت و رشد و امنیّت فردی و اجتماعی فزون‌تر است.

هر چند مسئله حجاب و عفاف به ظاهر یک مسئله کهن و تکراری است، ولی ابعاد نوینی دارد که با هر کلمه و هر سخنی می‌توان بعضی از این زوایا را اصطیاد نمود. یکی از راه‌های گسترش و توسعه حجاب و عفاف این است که به کاوش و پیشینه‌یابی و تبارشناسی قواید و آثار حجاب و عفاف بپردازیم و آن را در قالب‌های گوناگون به جامعه ارائه دهیم. استفسار و استقراء از قواید حجاب و بازخوانی سطور پیدا و ناپیدای آثار آن، سبب توسعه و تعمیق و تحکیم مبانی آن در قلوب می‌شود. مسئله حجاب و عفاف در عقل و نقل شاخصه‌یابی و تأکید شده است در مقاله حاضر، با مروری بر اهم فواید آن سعی بر اثبات حقانیت و لزوم مسئله حجاب و عفاف شده است.

سیمای حقیقی مسئله حجاب

«از نظر اسلام محدودیت کامیابی‌های جنسی به محیط خانوادگی و همسران مشروع، از جنبه روانی به بهداشت روانی اجتماع کمک می‌کند و از جنبه خانوادگی سبب تحکیم روابط خانواده و برقراری صمیمیت کامل بین زوجین و از جنبه

اجتماعی موجب حفظ و استیفای نیروی کار و فعالیت اجتماع می‌گردد و از نظر وضع زن در برابر مرد، سبب می‌شود ارزش زن در برابر مرد بالا رود. حجاب در اسلام از یک مسئله کلی‌تر و اساسی‌تر سرچشمه می‌گیرد و آن این است که اسلام می‌خواهد انواع التذاذهای جنسی - چه بصری و لمسی و چه نوع دیگر - در محیط خانوادگی و در کار به ازدواج قانونی اختصاص یابد و اجتماع منحصرآ برای کار و فعالیت باشد.

فلسفه پوشش اسلامی به نظر ما چند چیز است؛ بعضی از آنها جنبه روانی دارند و بعضی جنبه خانه و خانوادگی و بعضی دیگر جنبه اجتماعی، بعضی مربوط به بالا بردن احترام زن و جلوگیری از ابتذال او» (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۸۲).

حجاب یک قانون الهی

امروزه شناخت انسان موضوع تحقیقات وسیع و دامنه‌داری است که با اشتیاق دنبال می‌شود؛ ولی هنوز هزاران سؤال درباره انسان بی‌پاسخ مانده است و به قول دکتر الکسیس کارل، همچنان «موجودی ناشناخته» است.

موريس مترلینگ که برکسول فیلسوف معروف، او را سقراط عصر حاضر نامیده است، می‌گوید: من چقدر باید تکرار کنم که چیزی نمی‌دانم و چقدر باید تکرار کنم که هیچ کس چیزی نمی‌داند؛ زیرا اگر کسی چیزی می‌دانست، تاکنون دانستی‌ها را به همه گفته بود و همه از اسرار جهان مطلع می‌شدند.

به همین جهت تنها قوانین الهی که با احاطه کامل بر ابعاد وجودی انسان و ارزیابی همه‌جانبه و همسو با سیر تکامل هستی وضع می‌گردد، خواهد توانست سعادت انسان را تأمین نماید. مسلماً پیروی قوانین الهی فواید بی‌شماری را برای

جامعه به ارمغان خواهد آورد و نادیده گرفتن هر یک از آن پیامدها و زیان‌های بی‌شماری را به دنبال خواهد داشت. آری بهترین آفریدگار برای بهترین آفریده، بهترین قانون را برای تنظیم زندگی ارائه کرده است. [یکی از این قوانین قانون حجاب است] که از احکام ضروری اسلام می‌باشد و همه فرق اسلامی به آن اعتقاد داشته، بلکه هر کس با اسلام اندکی آشنایی داشته باشد آن را جزء اولین قوانین الهی می‌یابد که با توجه به اهمیت حجاب، قرآن و روایات تأکید فراوانی بر حفظ آن نموده‌اند و فقهای شیعه منکر او را محکوم به کفر دانسته‌اند. بی‌تردید قوانین الهی از تنگ‌نظری و کوتاه‌بینی، سطحی‌نگری و تعصب مبرا می‌باشد و برای خود فلسفه‌ای دارد (محمدی آشنایی، ۱۳۷۰، ص ۳۲).

امام خمینی علیه السلام در مورد حجاب می‌فرماید: «اصل حکم حجاب از ضروریات است و منکر آن حکم منکر ضروری را دارد و منکر ضروری محکوم به کفر است؛ مگر اینکه معلوم باشد که منکر خدا یا رسول نیست» (همان).

حجاب احیاگر ارزش‌های متعالی

«اگر زنان دارای حجاب باشند، همه مثل هم می‌شوند. امتیازات ظاهری و زیبایی‌های جسمی، زیور و مقام محو می‌گردد. آن‌گاه ذهن‌ها متوجه ارزش‌های واقعی نظیر علم، ادب، هنر و اخلاق می‌شود و در تحصیل آنها کوشا می‌گردد؛ در نتیجه استعدادها شکوفا و جامعه راه ترقی و پیشرفت را به سرعت طی خواهد نمود. آری از آن جهت که حجاب احیاگر ارزش‌های معنوی است، اسلام پوشش از بیگانه را ملاک برتری زن معرفی کرده است» (همان، ص ۴۱).

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «ان خیر نسائکم العفیفه المولود المتبرجه مع

زوجها الحصان مع غیره»: بهترین زنان شما زنان باعفت غیر عقیمی هستند که تنها برای شوهرانشان خود را می‌آرایند و در مقابل بیگانه کاملاً پوشیده‌اند. پیامبر در حدیثی دیگر فرمودند: آیا بدترین زنان را به شما معرفی بکنم؟ بدترین زنان شما زنانی هستند که در برابر بیگانه آراسته‌اند، ولی نزد شوهر پوشیده‌اند (کلینی، ۱۳۸۱، ج ۵، ص ۳۲۴-۳۲۵).

هان ز اغیار بسپوشان رخ زیبا زنهار

نرسد میوه در آن باغ که دیوارش نیست

(محمدی آشنایی، ۱۳۷۳، ص ۴۱)

حجاب لباس حضور نزد پروردگار

«نظام آفرینش به گونه‌ای طراحی شده است که هر موجودی در آن مسئولیتی دارد. این مسئولیت با طبیعت و کیفیت وجودش تناسب کامل دارد. زیرا؛ ایفای هر مسئولیتی متوقف بر عطایا و مواهب مناسب و لازم برای آن مسئولیت است. پروردگار جهان بر اساس داده‌های طبیعی و فطری انسان مسئولیت‌هایش را تنظیم فرموده است و با اعطای اختیار، انسان را در انتخاب راه آزاد گذاشته است. دست تدبیر آفرینش عفت و حیا را در نهاد زن، فطری ساخت؛ بنابراین ایفای همه مسئولیت‌های زن متوقف بر حفظ این امر فطری است؛ به همین جهت خداوند حجاب را واجب نمود تا امر درونی با حفاظ بیرونی محفوظ گردد و زن برای انجام وظایف طبیعی اجتماعی خود مهیا شود. آری خداوند می‌خواهد این موجود لطیف را با حجاب بینند و او را با این پوشش دوست دارد. چه زیباست پیوند میان خدا و بنده‌اش! به همین جهت آنگاه که زن در پیشگاه معبودش حاضر می‌گردد و به نمازی می‌ایستد تا با خدایش سخن بگوید، باید حجاب را به طور

کامل رعایت نماید تا نماز و نیایشش صحیح بوده و مقبول خداوند قرار گیرد»
(خمینی، ج ۱، ص ۱۴۲).

بدین سان حجاب از خود بیگانگی جلوگیری می‌کند و مقدمه خودشناسی و در نتیجه خداشناسی و قرب به حق تعالی می‌گردد.

حجاب پرچم اسلام است و زنان پرچمدار آن؛ حجاب تعظیم شعائر اسلامی است: ﴿ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾ (حج: ۳۲)؛ و هر کس شعائر خداوند را تعظیم کند، این امر نشانه پاکی قلب و تقوای درونی اوست. بنابراین حجاب بهترین و تنها لباس حضور در پیشگاه پروردگار است (محمدی آشنایی، ۱۳۷۰، ص ۸۰).

رعایت حجاب

۱. پاسخی است به ندای درونی فطرت؛
۲. نشانه تمدن است نه ارتجاع؛
۳. در همه ملل رواج دارد و فرهنگ ملی ماست؛
۴. شخصیت و احترام زن را فزونی می‌بخشد؛
۵. مایه سلامت جسم و آرامش روانی است؛
۶. مجوز ورود زن به جامعه است نه مانع آن؛
۷. باعث استحکام و افزایش نهاد خانواده می‌باشد؛
۸. عامل استواری جامعه و زمینه‌ساز ترقی آن می‌باشد؛
۹. احیاگر ارزش‌های متعالی می‌باشد؛
۱۰. جاذبه زن را بالا می‌برد و استعدادهای ادبی را شکوفا می‌سازد؛
۱۱. اجرای قانون الهی است و رضایت خداوند را به همراه دارد (همان، ص ۱۰۵).

توصیه‌های اخلاقی

روایات زیادی وجود دارد که می‌توان آنها را توصیه اخلاقی به مردان نسبت به زنان شمرد که از خطرهای تماس مردان با زنان آگاه باشند. امیرالمؤمنین علی علیه السلام به فرزندش امام مجتبی علیه السلام چنین توصیه می‌فرماید: «واكفف عليهن من ابصارهن بحجابك ايهاهن، فان شده الحجاب ابقي عليهن و ليس خروجهن بأشء من ادنالك عليهن من لا يوثق به عليهن و ان استطعت اين لا يعرفن غيرك فافعل»؛ یعنی تا می‌توانی کاری کن که زن تو با مردان بیگانه معاشرت نداشته باشد. هیچ چیز بهتر از خانه. زن را حفظ نمی‌کند؛ همان‌طور که بیرون رفتن آنان از خانه و معاشرت با مردان بیگانه در خارج خانه برایشان مضر و خطرناک است، آوردن مرد بیگانه به داخل خانه و اجازه معاشرت در داخل خانه به او دادن نیز مضر و خطرناک است. اگر بتوانی کاری کنی که [همسرت] جز تو مرد دیگری را نشناسد، چنین کن» (رضی، ۱۳۷۹، ص ۳۱۹).

با توجه به این روایت و روایات دیگر می‌توان دریافت که آنچه اسلام دست‌کم به صورت یک امر اخلاقی توصیه می‌کند، این است که تا حد ممکن اجتماع مدنی غیر مختلط باشد.

جامعه امروز زیان‌های اجتماعی مختلط را به چشم خود می‌بیند. اثر دوش به دوشی‌ها این است که هر دو همدوش را از کار باز می‌دارد و هر یک را به جای توجه به کار، متوجه همدوش می‌کند تا آنجا که غالباً این همدوشی‌ها به هماغوشی منتهی می‌گردد.

حدیثی نیز از حضرت زهرا علیها السلام وجود دارد که می‌توان آن را نیز همین‌طور تفسیر کرد و آن چنین است: روزی رسول خدا از مردم پرسیدند: چه چیزی برای

زن از هر چیز بهتر است؟ کسی نتوانست پاسخ بگوید. حسن بن علی علیه السلام کودک و در مجلس حاضر بود. قصه را برای مادرش زهرا علیها السلام نقل کرد. زهرا فرمود: از همه چیز بهتر برای زن این است که مرد بیگانه‌ای او را نبیند و مرد بیگانه‌ای هم او را نبیند. این حدیث نیز ترجیح دور بودن زن و مرد را بیان می‌کند (حرعاملی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۹ / قزوینی، ۱۳۷۷، ص ۲۳۰ / روحانی علی‌آبادی، ۱۳۷۸، ص ۷۵۵).

رسول اکرم به علی علیه السلام فرمود: «یا علی اول نظره لک و الثانیه علیک لا لک؛ یعنی اولین نگاه از آن تو است، اما نگاه دوم به زیانت می‌باشد نه به سودت» (حرعاملی، ۱۳۷۰، ج ۲۰، ص ۱۹۴).

این حدیث در مقام توصیه ترک نظر شهوانی و کامجویی‌ای است که قطعاً حرام است. امام صادق علیه السلام فرمود: «النظر سهم من سهام ابلیس مسموم و کم نظره اورثت حسره طویله»: نگاه کردن تیری است زهرآلود از ناحیه شیطان (حرعاملی، ۱۳۷۰، ج ۳، ص ۲۴).

در حدیث دیگر آمده است: «زنا العینین النظر»: زناى دو چشم، نگاه است (کلینی، ۱۳۸۱، ج ۵، ص ۵۵۹ / حرعاملی، همان).

این دو حدیث نیز ناظر به نگاه‌های شهوت‌آلود است و ممکن است توصیه اخلاقی باشد به احتیاط. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ایها امراه وضعت ثیابها فی غیر بیت زوجها فقد هتکت ستر ما بینها و بین الله عزوجل»: هر زنی که لباس خود را جز در خانه شوهر بیرون آورد، پرده‌ای را که میان او و خداست پاره کرده است.

در حدیث دیگر می‌فرماید: «الا لا یخلقون رجل بامرأه الا کان ثالثهما الشیطان»: بدانید که هیچ مردی با زن نامحرم خلوت نمی‌کند، جز آنکه سومی آنها شیطان است (فرید تنکابنی، ۱۳۷۶، ص ۳۴۸-۳۴۹).

پیامبر می‌فرماید: «لعن الله عزوجل يلبسه المرأة و المرأة يلبس يلبسه الرجل»: خداوند مردی را که چون زن لباس پوشد، و زنی را که چون مرد لباس پوشد، لعنت کند (همان، ص ۳۵۲).

پیامبر ﷺ فرمودند: «عفوا عن نساء الناس تعف نساءكم تعف نساءكم و بروا آباءكم تبرکم ابناؤکم و من آتاه أخوه. متنصلا فليقبل ذلك محقا کان او مبطلا. فان لم يفعل لم يرد علی الحوض»: نسبت به زنان مردم عفت کنید تا زنانتان عقیف بمانند. با پدران خویش نیکی کنید تا فرزندانتان با شما نیکی کنند. هر کس برادرش به عذرخواهی پیش وی آمد، باید عذر وی را حق باشد یا باطل، بپذیرید و اگر نپذیرد بر سر حوض به نزد من نیاید (همان، ص ۳۵۷).

پیامبر ﷺ: «النتزهره سهم مسموم من سهام ابلیس»: نگاه بد تیری زهر آگین از تیرهای شیطان است (همان، ص ۶۳۱). پیامبر خدا ﷺ می‌فرمایند: «دو گروه از دوزخیان را [هنوز] من ندیده‌ام: گروهی که تازیانه‌هایی مانند دم گاو در دست دارند و مردم را با آن می‌زنند و [گروه دیگر] زنانی که پوشش دارند، اما برهنه‌اند، کجراهه می‌روند و دیگران را نیز به کجروی تشویق می‌کنند، سرهایش همچون کوهان شتر خراسانی فروهشته است. اینان به بهشت نمی‌روند و بوی بهشت را نیز استشمام نمی‌کنند» (ری‌شهری، ۱۳۷۷، ص ۹۹۵). از فتنه دنیا و فتنه زنان پرهیزید زیرا اولین فتنه بنی اسرائیل از جانب زنان بود (بشر، ۱۳۸۰، ص ۲۲۰).

فواید حجاب

۱. حجاب و مسئولیت‌های اجتماعی

«هر فردی در برابر جامعه خود مسئول است. این مسئولیت، عام است؛ یعنی هم شامل زن‌ها می‌شود و هم شامل مردها.

پاره‌ای از مسئولیت‌های زنان به حجاب آنان بستگی دارد. زن اگر حجاب داشته باشد، بار این‌گونه مسئولیت‌ها را بر دوش می‌گیرد و شخصیت و عظمتش بالا می‌رود؛ اما اگر جامه مقدس حجاب را از تن بدرد، از عهده انجام این‌گونه مسئولیت‌ها، بر نمی‌آید» (مصطفوی، ۱۳۶۹، ص ۴۵).

۲. حجاب و سلامت اخلاق جامعه

همواره باید هرچه به سلامت اخلاق جامعه لطمه می‌زند، ریشه کن شود و هرچه سلامت اخلاق جامعه را تضمین می‌کند، تقویت گردد.

هرچه گرایش جامعه به حجاب شدت یابد، از مفسدات اخلاقی و اجتماعی، کاسته می‌شود. سلامت اخلاق جامعه، از اهداف عالی اسلام است. پیامبر اکرم فرمودند: «بعثت لاتمم مکارم الاخلاق»: من برای تمام کردن مکارم اخلاق، مبعوث شدم (همان). حجاب زن، به نص قرآن کریم، عفاف اوست و عفاف او، خدمتی است به سلامت جامعه.

زن با پوشش شرعی خود، خانواده را استوار و پایرجا می‌سازد و بیپهوده، افراد را تحریک نمی‌کند و هوس‌ها را بر نمی‌انگیزد و مردها را به مفسده نمی‌کشاند. زن با پذیرش حجاب اسلامی، بزرگ‌ترین و ارزشمندترین خدمات را به خانواده‌ها و جوان‌ها و بالاخره جامعه می‌کند؛ زیرا اخلاق و پاکی و فضیلت را رونق و رواج می‌بخشد.

زنانی که جسم خود را پربهتر از آن می‌دانند که اجازه دهند، هر چشمی از آن تمتع گیرد، هر هوسی بدان گرایش یابد، بر مسند والای فضیلت نشسته‌اند. کار این گونه زنان پیامبر گونه است؛ زیرا بعثت پیامبران، به منظور تکمیل و متمیم اخلاق است.

اسلام از بی‌حجابی و بدحجابی بیزار و متنفر است؛ زیرا این‌ها ایند که با متزلزل کردن اخلاق و فضیلت، اسلام را در بین مردم، ضعیف و لگدمال می‌کنند. زنان باحجاب، خدمتگذار واقعی دین و اخلاق و زنان بی‌حجاب و بدحجاب، عامل براندازی و بنیان‌کنی دین و اخلاقند (همان، ص ۵۲).

۳. حجاب و شخصیت زن

«شخصیت، مجموعه افکار و عواطف و عادات و اخلاقیات یک انسان است و خلاصه هرچه به یک شخص مربوط می‌شود، بیرون از وجود او نیست و شخصیت اوست. تنها راه بالا بردن شخصیت زن را حجاب او می‌دانیم. اگر او به حجاب روی آورد، پایگاه خانواده‌گی‌اش قوی می‌شود. مردها، ناچار می‌شوند به زندگی خانوادگی خود، ارج نهند و به همسران خود واقعاً توجه کنند.

علو شخصیت زن در این است که کمال همسری و کمال مادری و کمال اجتماعی را برای خود احراز کند. بی‌حجاب در بعد همسری و مادری، شکست خورده و در بعد فعالیت‌های اجتماعی، ابزار و بازیچه و ملعبه شده و خواه ناخواه سقوط کرده است» (همان، ص ۵۵، ۵۲).

اسلام مخصوصاً تأکید کرده است که زن هر اندازه متین‌تر و با وقارتر و عقیف‌تر حرکت کند و خود را در معرض نمایش برای مرد نگذارد، بر احترامش افزوده می‌شود (مظهری، ۱۳۷۳، ص ۵۹).

«به طور کلی اشیایی که در همه جا یافت می‌شود و دسترسی به آن به آسانی صورت می‌گیرد، از ارزش کمتری برخوردار است. از طرفی بشر همواره اشیای ذی‌قیمت خود را از دسترس دیگران دور نگه می‌دارد و به شیوه‌ای خاص از آن

مراقبت می‌نماید. اسلام که زن را گوهر گرانبه‌ای هستی و دارای شخصیت کامل انسانی می‌داند، حجاب را همچون صدف بهترین وسیله برای حفظ و ثبات آن شخصیت معرفی کرده است. آنان که زنان را تشویق به آرایش و تزیین و نمایش زیبایی‌های جسمی خود می‌نمایند، در حقیقت زن را فاقد شخصیت و روح انسانی می‌شمارند که باید با تزیین و نمایش زیبایی‌های جسمی، منزلت اجتماعی مناسب خویش را به دست آورد. تجربه نیز این مطلب را ثابت کرده است.

قبل از ظهور اسلام، نه تنها زنان ارزشی نداشتند؛ بلکه داشتن یک دختر ننگ به حساب می‌آمد: «وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ» (نحل: ۵۸) در چنین جامعه‌ای بی‌حجابی که علامت آن بی‌ارزشی بود، رواج داشت. اسلام مقام زن را بالا برد و شخصیت او را مورد تکریم قرار داد و با آوردن قانون حجاب حفظ و دوام این شخصیت را برای همیشه بیمه کرد (محمدی آشنایی، ۱۳۷۰، ص ۳۵). دکتر گوستا ولویون مورخ معروف فرانسوی می‌گوید: این مطلب نیز روشن شد که اسلام در بهبودی وضع زنان بسیار کوشیده است و نخستین مذهبی است که مقام زن را بالا برده و روی هم رفته زنان مشرق زمین از نظر مقام و احترام و شخصیت علمی و تربیتی و سعادت، بهتر از زنان اروپایی هستند. اسلام نه تنها زن را یک انسان کامل می‌داند، بلکه احترام به او را ملاک کرامت انسان معرفی می‌کند: «ما اکرام النساء الا الکريم و ما اهانهن الا اللثيم»: هرگز زنان را گرامی نمی‌دارند مگر کریمان با کرامت و به آنان اهانت نمی‌کنند مگر لثیمان بی‌ارزش (پابنده، ۱۳۷۳، ص ۳۱۸).

بر این اساس، حجاب وسیله‌ای است در خدمت زن تا موفقیت خویش را در جامعه تحکیم کرده و شخصیت و احترام خویش را فزونی بخشد. قرآن در این

زمینه می‌فرماید: «ای پیامبر به همسران و دخترانت و همه زنان مسلمان بگوی که روسری‌ها را به خویش نزدیک سازند تا [به عفاف] شناخته شوند و مورد آزار اوباشان قرار نگیرند. خداوند آمرزنده و مهربان است»: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ (احزاب: ۵۹).

عصمتیان را به مقام جلال جلوه حرام است مگر با حلال
ویلیام جیمز روان‌شناس معروف، در تأیید این مطلب چنین می‌گوید: زنان دریافتند که دست و دل بازی، مایه طعن و تحقیر است. این امر را به دختران خود یاد دادند (محمدی آشنایی، ۱۳۷۰، ص ۳۵).

۴. حجاب و استحکام خانواده

«شک نیست که هر چه موجب تحکیم پیوند خانوادگی و سبب صمیمیت رابطه زوجین گردد، برای کانون خانواده مفید است و در ایجاد آن باید حداکثر کوشش می‌ذول شود و بالعکس هر چیزی که باعث سستی رابطه زوجین و دل‌سردی آنان گردد، زیان‌مند است و باید با آن مبارزه کرد. فلسفه پوشش و منع کامیابی جنسی از غیر همسر مشروع، از نظر اجتماع خانوادگی این است که همسر قانونی از لحاظ روانی عامل خوشبخت کردن او به شمار برود؛ در حالی که سیستم آزادی کامیابی، قانونی از لحاظ روانی یک نفر رقیب و مزاحم و زندانبان به شمار می‌رود و در نتیجه کانون خانوادگی بر اساس دشمنی و نفرت پایه‌گذاری می‌شود.

بنابراین زنان با حجاب خود موجب تحکیم خانواده شخصی و دیگران می‌شوند؛ چراکه با حجابشان اطمینان و اعتماد شوهرشان را به پاکی خود جلب

می‌کنند و باعث تحکیم خانواده می‌گردند؛ اما نقش آنان در تحکیم خانواده‌های دیگر، بدین لحاظ است که مردان از تمتعات خارج از محدوده زناشویی محروم می‌شوند و طبعاً به همسران خود بیشتر توجه می‌کنند (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۸۹ / مصطفوی، ۱۳۶۹، ص ۵۶).

۵. حجاب و آزادی زن

«اینکه زنان باید حجاب را رعایت کنند، زور و دستوری از ناحیه مردان نیست تا آزادی آنان را سلب کنند، بلکه وظیفه شرعی آنان است که حجاب را رعایت کنند. زنان با حجاب در فعالیت‌ها و رفت و آمدهای خود، آزادترند؛ زیرا مردان بوالهوس اطمینان دارند که اینها، طعمه و ملعبه نمی‌شوند؛ بنابراین کمتر بر آنها ایجاد مزاحمت می‌کنند. زن با حجاب، مظهر عفاف شناخته شده است و لذا در خانه و خارج خانه مزاحمتی ندارد. و آزادانه دنبال کارها و مسئولیت‌های خویش است» (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۱۰۰-۱۰۱).

قرآن کریم در دو مورد به این مطلب اشاره کرده است. یکی اینکه می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزَوِّجَكُ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ (احزاب: ۵۹): ای پیامبر به زنان و دختران خود و به زنان مؤمن بگو که پوشش‌هایشان را به خود ببیچند که این، نزدیک‌تر است به اینکه به پاکی و عفاف شناخته شوند که از طرف افراد هرزه مورد آزار و اذیت قرار نگیرند و خداوند آموزگار و مهربان است.

ام سلمه، همسر پیامبر گرامی اسلام می‌گوید: هنگامی که این آیه نازل شد،

زنان انصار در موقع خروج از خانه، چنان خود را در پوشش سیاه می پوشیدند که گویا روی سر آنها کلاغ نشسته بود و چون کیسه ای سیاه به خود پوشانده بودند که سرپایشان گرفته بود (طباطبایی، ۱۳۷۰، ج ۱۶، ص ۵۱۷).

بنابراین بی حجابی و بدحجابی، برای زن ها ایجاد مزاحمت می کند؛ اما هنگامی که اهل حجاب باشند، مزاحمتی بر آنان نیست.

در آیه دیگر خداوند می فرماید: ﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ (احزاب: ۳۳): در سخن گفتن خضوع نکنید که آنکه دلش بیمار است، طمع می کند و سخن نیکو بگوید.

در حقیقت آنچه مورد نهی و منع است، تحریک و تطمیع است؛ به سخن خاضعانه باشد یا به هر نحوی دیگر.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

۶. پاکی و طهارت

در قرآن مجید، در موارد بسیاری تصریح شده است که فلسفه فلان حکم طهارت است؛ مثلاً درباره زکات می گوید: ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ﴾ (توبه: ۱۰۳): از اموال ایشان زکات بگیر تا آنها را طهارت بخشی.

خداوند نمی خواهد که شما را به مشقت بیندازد، بلکه می خواهد که شما را طهارت بخشد. درباره اینکه نباید زن های مطلقه را با سخت گیری ها و اشکال تراشی ها از ازدواج مجدد بازداشت، می فرماید: ﴿ذَلِكُمْ أَزْكَىٰ لَكُمْ وَأَطْهَرُ﴾ (بقره: ۲۳۲).

هنگامی که در سوره احزاب، دستور می دهد که: هرگاه از زنان پیامبر چیزی

می‌خواهید از پشت برده بخواهید، می‌گوید: ﴿ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ﴾: این برای طهارت دل‌های شما و دل‌های آنها، مفیدتر است (احزاب: ۵۳).

هنگامی که به مردهای مؤمن، دستور فروروشیدن چشم و عورت، از نظر و آمیزش نامشروع می‌دهد، می‌گوید: ﴿ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ﴾ (نور: ۳۰): این برای رشد و تکامل ایشان، سودمندتر است.

در اسلام، اصل، پاکی و طهارت قلوب و ارواح است و هر کاری که به این اصل لطمه بزند، مردود و مبغوض است. پاکی و طهارت زن، رمز موفقیت او در خانواده و اجتماع است. چنین زنی برای شوهر همسری ایده‌ال، و برای فرزندان، مادری نمونه و برای جامعه خدمتگذاری قهرمان است.

اگر پاکی را از زن بگیری، همچون علف سبزی است که در مزبله روییده و نفرت‌آور است و اگر پاکی را به او ارزانی بداری، گوهر یکتای عالم خلقت و مفخر خانواده و اجتماع است. زنی که در بستر و پوشش خود باقی بماند، همواره شکوه و طراوت دارد و به دست بدخواهان، پرپر و تپا نمی‌شود؛ اما زنی که از بستر و پوشش، بیرون آید و دامن بگسترد، خزان وجود خود را اعلام کرده و ارزش زنانگی خود را از دست می‌دهد (مصطفوی، ۱۳۶۹، ص ۶۱۵۹).

۷. نقش دفاعی حجاب

در این مقام بجاست بار دیگر، به نقش و اهمیت حجاب و پوشاندن زن خود را از مردان بیگانه، توجه گردد که اگر همراه با ایمان و تقوا باشد، صددرصد از کید و مکر و اغفال و فریب مردان پست و پلید در امان خواهند بود؛ زیرا از برکت ایمان و تقوا، یعنی حجاب درونی، فاسدان بر دل او راهی ندارند تا در آن نفوذ کرده و آن

را منقلب سازند؛ صرف نظر از اینکه به جهت محجوب بودن و پوشیده ماندن اعضا و جوارح حساس و حتی صورت زن از اغیار، نه مورد توجه مفسدان و اغفالگران واقع می‌شود و نه آنان به زنی که مورد توجه واقع نشده طمع می‌یابند تا زحمت دسیسه‌چینی و اغفال او را به خود دهند؛ و اگر زن از مراتب کمال ایمان و تقوا هم بی‌بهره باشد، باز حجاب ظاهری و چادر سیاه که کمتر از بی‌حجابی و چادر رنگی جالب توجه است، در رفع بلا نقش مؤثری دارد و همین اصل با وجود نوسانات شدید «زن‌ربایی» و تعمیم آن، باز در نجات زن از مهلکه بی‌تأثیر نمی‌تواند باشد؛ چراکه وقتی زن خود را با پوشش و آرایش جالبی عرضه نکرده و خودنمایی نکند، طمعی بدان شدت در دل‌های پست و پلید و بیمار ایجاد نمی‌شود که مورد توجه و سوء استفاده دیگران قرار گیرد. حجاب دفاعی است عاقلانه و خود در حکم «علاج واقعه را قبل از وقوع کردن» و پیشگیری از خطر است؛ اما به صورت بسیار مؤثرانه و محترمانه؛ همراه با حفظ عزت نفس و عفت و عصمت و شرافت حقیقی زن که در غیر این سنگر، تحصیلش یا حفاظتش از جمله محالات است.

اینک در این مقام بار دیگر باید یادآور شویم که: هر زن هشیار و بیدار و پاک‌دل و پاک سرشت، پس از درک «موقعیت دردناک و خطرناک حیاتی و اجتماعی خود در میان انبوهی از وحشیان و درندگان اسیر شهوات خویش» حتی اگر از ترس اهریمنان و برای ایجاد نفرت در آنان به جای حجابی از پارچه سیاه، حجابی از کرباس یا پارچه‌ای مندرس برگزیند و در ملأ عام ظاهر گردد، خلافی نکرده است؛ چرا که بیش از هر چیز برای هر زن شرافتمندی، برخورداری از امنیت و رهایی از تألمات روحی ایجاد شده از وحشیگری‌های مردان بی‌بندوبار

حائز کمال اهمیت است؛ نه نگاه و نظر و توجهات مردان و زنان دیگر به جهت پوشش و آرایش جالب توجه او! پس اگر زن مسلمان به جای آن چنان افراط و تفریط‌ها، از آن میان برای استتار خود از دیده‌های تیزبین شهوت‌بار و ناگوار مردان دیوسیرت، سیاه‌پوشی را ترجیح دهد، هنوز راه و روش دفاعی ساده و بی‌تکلفی را انتخاب نموده است که از راه و روش زنان آلمانی و آموزش دفاعی فنی و همراه بردن اسپری‌های حامل گازهای اشک‌آور و اسلحه‌های گوناگون سرد و مانند آنها به مراتب عاقلانه‌تر و محترمانه‌تر است (اردویادی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۷۵).

۸. حجاب و جاذبه

اصولاً ارتباط کمتر و دوری از شیء مطلوب، جذابیت آن را بیشتر می‌کند. مثلی است معروف که می‌گوید: «دوری و دوستی»؛ بنابراین پوشش زن جذابیت او را در نظر مخالف بیشتر می‌کند و تلاش پیگیرش را برای وصال فزونی خواهد بخشید. شکوفایی ذوق‌های ادبی، نگارش داستان‌هایی نظیر لیلی و مجنون و فرهاد و شیرین و... همه در سایه حجاب زن و مهجوری مرد تحقق یافته است؛ پس حتی اگر زنان خواهان تحکیم موفقیت و افزایش محبوبیت خویشند، باید آن را در پناه حجاب به دست آورند (محمدی آشنایی، ۱۳۷۰، ص ۴۱).

آلفرد هیچکاک، با تجربه‌ای که در فن فیلم‌سازی دارد، می‌گوید: من معتقدم زن باید مثل فیلمی پرهیجان و پرآنتریک باشد؛ یعنی ماهیت خود را کمتر نشان دهد و بگذارد مرد برای کشف آنها بیشتر به خود زحمت دهد.

زنان شرقی تا چند سال پیش به خاطر حجاب، خودبه‌خود جذاب می‌نمودند و همین مسئله جاذبه نیرومندی به آنها می‌داد؛ اما به تدریج با تلاشی که زنان این

کشورها برای برابری با زنان غربی از خود نشان می‌دهند، حجاب و پوششی که دیروز بر زن شرقی کشیده شده بود، از میان می‌رود و همراه آن از جاذبه جنس او هم کاسته می‌شود (شیرازی، ۱۳۶۲، ص ۷۸).

۹. حجاب و جواهرات

زن ایده‌آل اسلام که بهشت جایگاهش خواهد بود، همچون یاقوت و مرجان و سایر جواهرات اصلی است که جواهر فروشان آنها را در پوشش مخصوص قرار می‌دهند تا همچون جواهرات بدلی به آسانی در دسترس این و آن قرار نگیرد: ﴿فَمِنْ قَاصِرَاتِ الطَّرَفِ لَمْ يَطْمِئِنَّ أَنْسَ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ، فَبِأَيِّ آيَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ؛ كَاتِبَتْنِ الْيَاقُوتُ وَالْمَوْجَانُ﴾ (الرحمن: ۵۸-۵۶)؛ در آنها زنان زیبا و باحیا هستند که پیش از آنان دست هیچ‌کس به آنها نرسیده، گویی یاقوت و مرجانند. کدام با ارزش‌ترند؟

زن ایده‌آل قرآن «کامثال اللؤلؤ المكنون»؛ یعنی مروارید پوشیده در صدف یا جواهرات بدلی است که در هر جا بدون پوشش به چشم می‌خورند (شیرازی، ۱۳۶۲، ص ۸۵).

۱۰. حجاب و حسن احترام

باید توجه داشت که هم رفاه حال زن و هم صلاح و مصلحت خود مرد (از نظر سلامت نفس و سعادت واقعی او) در آن است که ارزش وجودی زن را به معیار و الگوهای آسمانی دریابد و درک کند تا در مراعات حریم حرمت او، خود را موظف به خویشتن‌داری بداند و در این صورت تماس از ورای حجاب همراه با پاک‌نگری

کافی است که هم زن را در جامعه تبدیل به موجودی شایان احترام نماید و هم مرد را از گزند و و آفت دیدار جمال زن - که خود در حکم دامی است بر سر راه صاحبان قلوب پاک و آفتی برای صاحبان ایمان واقعی - مصون دارد؛ زیرا زیبایی به طور اعم در طبیعت حد و مرزی ندارد و به قول کانت: «زیبایی غایتی است که غایت ندارد» و نمی‌توان باور کرد که از کثرت دیدار و برخورد با جمال زن، مردی بتواند آنقدر بدان خو بگیرد و عادت نماید که دیگر کمترین حساسیتی در مقابل هیچ چهره زیبایی از خود نشان ندهد و اگر در غرب مردانی پیدا می‌شوند که بعد از پشت سر نهادن دوران جوانی سر تا پا آلوده و غرق در شهوات، به زن بی‌اعتنا هستند، این بی‌اعتنایی نتیجه عادت به زن نیست، بلکه ناشی از نفرت نسبت به زن است در اثر افراط در بوالهوسی و روابط افراطی نامشروع رایج در غرب که با مسئله «بی‌اعتنایی از روی خویشنداری و معرفت و بصیرت نسبت به زن» بسیار فاصله دارد.

ناگفته خود پیدا است که اگر مرد از ایمان و تقوای حقیقی بهره‌مند باشد، حس احترام او نسبت به زن صرفاً از روی درک و فهم و بصیرت و معرفت می‌تواند باشد که در آن زشتی و زیبایی یا پیری و جوانی زن نمی‌تواند نقشی داشته باشد؛ همان‌طور که در تماس محترمانه از ورای حجاب، زشتی و زیبایی زن نمی‌تواند در ایجاد حس احترام علت و سبب به شمار رود؛ ولی آیا ادعای ایمان و تقوا از هر مردی قابل قول صاحبان افکار و عقول سلیم و آگاه می‌تواند باشد؟ بلکه باید آثار و علائم چنان ایمان و تقوایی، در تمام اعمال و رفتار و افکار و حالات چنان مردی منعکس و متجلی گردد و نه در یک مورد بخصوص! امتیاز تماس مرد از ورای حجاب در آن است که اگر احترامی هم نسبت به زن مرعی بدارد، مسلم است که

آن حس احترام حقیقی بوده و ارتباطی با جمال زن ندارد؛ زیرا از زشتی و زیبایی او خبر ندارد و بالعکس در بی‌حجابی این مشکل اساسی در روابط اجتماعی زن و مرد همواره باقی است که در رویارویی با زنی که از جمال و زیبایی بهره‌ای دارد، ناخودآگاه حس احترام و خضوع و خشوعی محیلانه به هر مرد بوالهوسی دست می‌دهد تا نظر طرف را به خود معطوف دارد، تا آنجا که اگر زنی فاقد چنان امتیازی باشد، با سردی و بی‌اعتنایی با او برخورداری می‌نماید و یا با احترام تصنعی و ریایی روبرو می‌شود که مفهوم مخالفش به سهم خود چیزی جز هتک حرمت و تحقیر و توهین به زن نمی‌تواند باشد.

زیرا به زبان خود‌گویای این حقیقت است که از نظر وی زن تنها به خاطر جمالش ارزش دارد و بس و گرنه چنگی به دل نمی‌زند! و این بزرگ‌ترین تحقیرها و توهین‌هاست به عالم بانوان که اگر از جوانی و جمال و زیبایی بهره‌مند بودند، در پیش هر مردی عزیزند و گرنه موجودی هستند پست و بی‌ارزش! (اردوبادی، ۱۳۷۴،

ج ۳، ص ۱۶۹ و ۱۷۰)

۱۱. حجاب و سلامت جسمانی

حجاب، زمینه فساد را که عامل اصلی بیماری‌های مقاربتی است، از بین می‌برد و از این طریق نقش خود را در سلامت جسمانی افراد جامعه ایفا می‌نماید. به آمار ذیل توجه نمایید. اگرچه از زمان انتشار آن مدت‌ها گذشته است، ولی به‌خوبی گویای یکی از عوارض فساد می‌باشد. طبق تحقیقاتی که در ایالات متحده به عمل آمده، روی هم رفته نود درصد مردم این کشور به بیماری‌های مقاربتی مبتلا می‌شوند. از این رقم عده‌ای که در بیمارستان‌های رسمی آمریکا معالجه می‌شوند،

بالغ بر ۳۶۰ هزار نفر می‌باشند. از تمام بیمارستان‌های ایالات متحده ۶۵۰ بیمارستان تنها به امراض مقاربتی اختصاص داده شده است؛ در حالی که معادل یک و نیم برابر افرادی که در این بیمارستان‌ها معالجه می‌شوند، به پزشک‌های خانوادگی و خصوصی مراجعه می‌نمایند (محمدی آشنایی، ۱۳۷۰، ص ۴۵).

سالانه ۳۰ الی ۴۰ هزار کودک بر اثر بیماری‌های مقاربتی موروثی می‌میرند و میزان تلفاتی که از این بیماری‌ها در ایالات متحده ناشی می‌شود، از مجموع کلیه امراض مختلف غیر از سل بیشتر است (همان).

دکتر آمبروس لینگ که از مقامات صلاحیت‌دار درباره بیماری‌های آمیزشی است، اعلام کرد از سال ۱۹۵۷ به بعد بیماری‌های آمیزشی در بین جوانان کم سال افزایش قابل ملاحظه‌ای یافته است. در میان پسران ۱۵ تا ۱۹ سال ۶۷/۳ و مقدار افزایش در میان دختران که همین سن را دارند، ۶۵/۴ درصد شده است (همان).

۱۲. حجاب و شجاعت حقیقی

حال با در نظر گرفتن اصول و با دسترسی به مسلمات نامبرده فوق، باید روشن شود که آیا حجاب نشانه جبن و ترس یا معلول سوءظن بیجا نسبت به مرد بوده و متقابلاً بی‌حجابی در زن عادی نیز نتیجه شجاعت و شهامت است و یا واقعیت امر به غیر از این تواند بود؟

پاسخ روشن است و نیازی به بحث و استدلال نیست که شهامت و شجاعت کذایی در زن بی‌حجاب یا نتیجه غفلت و جهالت اوست و یا معلول سنخیت روحی او با روح مرد؛ یعنی نتیجه تغییر و تحول روحی و دوری از فطرت اولیه پاک زن

تحت تأثیر شرایط زمان. که نه متوجه تحقیرها و توهین‌ها و کم حرمتی‌های ناشی از نگاه‌های آلوده مردان لاقید و لاپالی می‌گردد و نه نگران از دست دادن مواهب روحی و طبیعی خود، آن‌هم به حدی که به راحتی قادر است نگاه‌های شهوانی مردان را تحمل نماید و یا از روی کوتاه‌فکری و غفلت و جهالت، نظر و نگاه آلوده همه مردان را تأویل و تفسیر نموده، حمل بر صحت نماید تا در نتیجه، در برخورد و تماس مستقیم با مردان مختلف کمترین احساس ناراحتی ننماید؟ (اردوبادی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۸۷)

آیا با وجود این همه گزارش و آمارهای مستند نامبرده در مورد عدم امنیت کامل برای زن در سرتاسر جهان، می‌توان پذیرفت که خوش‌بینی و یا چنان شجاعت زن در این مقام از روی واقع‌بینی و مآل‌اندیشی بوده و از اصالت کاملی برخوردار است! بالعکس معلول جهالت و ناآگاهی و بی‌خبری زن بی‌حجاب و یا محصول انحراف و بلکه انحطاط روحی و اخلاقی در زن است، آن‌هم به حدی که از درک فساد نیت و آلودگی نگاه‌های شهوانی مرد، به علت سنخیت روحی، احساس هیچ‌گونه ناراحتی و ناامنی نمی‌نماید و بلکه برعکس خود نیز از آن احساس خوشی و خرسندی می‌کند! که به سهم خود گواه است بر فاسد شدن روح زن و ضایع شدن مواهب خدادادی او و تغییر ماهیتش و بالاخره گم کردن «شخصیت و هویت» اصلی خویش در لابلای مفاسد اخلاقی جامعه؛ و این نیست مگر محصول شجاعتی ناشی از جهالت!

همچنین است معنی ترس زن باحجاب از مرد، به علت علم و آگاهی از غایت مراتب ناامنی ظاهری و باطنی از ناحیه مردی که به این سادگی نمی‌تواند میل خود را مهار کند و از جمال هر زنی در گذرد و نیز مراقبت‌ها و پیش‌بینی‌های لازم

و پیشگیری از ناامنی‌هایی است که در ذات چنین ترس و خوفی خود ناشی از دو امتیاز روحی و اخلاقی موجود در او است:

یکی شهامت و شجاعتی است که در مهار نفس و پیشگیری از خودنمایی و عرضه خود به هر مرد و نامردی دیده می‌شود و دیگری حصول علم و معرفت در احوال خود و دیگران و درک موقعیت زمانی خویش است؛ یعنی با علم و آگاهی کامل نسبت به ناامنی جهان و درک ارزش‌ها و سرمایه‌های والای خدادادی (عفت و عصمت و عاطفه) در مقام دفاع از عزت و شرف و ارزش و احترام خود و حفظ کامل عفت و عصمتش، حجاب را به عنوان سنگر دفاعی و وسیله مقابله با آن شهوات و هوس‌های حیوانی اغیار، انتخاب می‌نماید؛ پس مسلم است که وقتی «خوف یا ترس» از روی معرفت حاصل شود، می‌تواند خود از شجاعت سرچشمه بگیرد؛ بخصوص وقتی که زن حد اعلای شجاعت را در اعمال و رفتار خود عملاً نیز نشان داده باشد؛ چه اینکه خود حجاب نشانه اعراض از خودنمایی و عرضه زن است به مرد بیگانه.

بنابراین شجاعت و شهامت واقعی از آن زنی است که از عهده مهار نفس برآید و از میل خودنمای و جلب نظر مردان با پوشش و آرایش شهوت‌انگیز در جامعه پرهیزد و به قول گاندی: «خود را به منظور جلب شهوت مرد نیاراید و زیر ننگ چنین خفتی نرود» و آنگاه که از عهده نفس اماره‌ای برآمد - که او را به سبب دسترسی به امتیازاتی چون جمال و مال و منال و زر و زیور و پوشش بدن‌نما و آرایش شهوت‌انگیز از خود بیخود کرده و وادار می‌ساخت تا با عرضه کردن خود به بدترین وضعی، آتش حسرت در دل پیر و جوان بی‌فرزد - می‌توان گفت در چنین شرایطی او از یک شجاعت واقعی و شهامت اخلاقی حقیقی برخوردار است؛

و برعکس ترسو و جبون و بزدل و بی شخصیت زنی است که می ترسد اگر مردان بیگانه ولو از روی میل و شهوت، عنایتی به او نکرده و نسبت به او بی اعتنا باشند. او از جرگه آدمیت خارج شود و به دست فراموشی سپرده شود؛ پس ترسو، جبون و محروم از فضیلت روحی و اخلاقی «شهامت و شجاعت»، زنی است که از خود رأی و اراده‌ای نداشته باشد و از ادراک درست و اعتماد به نفس آنقدر محروم مانده باشد که اینک دهن‌بین و سردرگم و تابع اراده دیگران گشته است و چون او از خود تصمیم و اراده مستقلی ندارد، در انتظار نشسته است تا دیگران برایش تصمیم بگیرند.

اما با بی حوصلگی تمام از این انتظار ظاهراً طولانی، خود با پوشش و آرایش شهوت‌انگیز، در هر حال می‌خواهد نظر مردان بیگانه را به خود جلب نماید؛ بنابراین اگر زن در جست‌وجوی جا و مقام ارزشمند حقیقی خود در جامعه است و می‌خواهد همواره محترمانه مورد توجه همگان باشد و به صورت واقعی از احترام لازم در جامعه برخوردار باشد، در این صورت ابتدا باید از شهامت‌کذایی (بی‌حجابی و انواع بی‌عفتی‌ها) صرف نظر نماید و قبل از همه، خود، عنایتی به حفظ عفت و عزت نفس خویش داشته باشد و پس از مهار کردن میل و هوس «خودنمایی» با پوشش و آرایش و ادا و اطوار تحریک‌آمیز که از جمله عوارض روحی همه زنان خودخواه و از خودراضی است، قهراً در سایه پاک‌ی و پاکدامنی به فضیلت مهمی به مانند شهامت اخلاقی و عفت و عصمت و عزت نفس، دست خواهد یافت که از جمله نشانه‌های مسلم شجاعت و شهامت حقیقی به شمار می‌رود (اردویادی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۸۹-۱۹۳).

نتیجه

اثبات تقدس و تجاذب‌های حجاب و عفاف در متون دینی سبب‌ساز گسترش فرهنگ حجاب و عفاف در بین زن و مرد جامعه خواهد شد و سالم‌سازی نهادهای اجتماعی بدون توجه به حجاب و فواید آن امکان‌پذیر نیست. اهمیت شناسایی حجاب سرچشمه در ضرورت پردازش شخصیت معنوی‌زا دارد و خلأ محسوس عدم وجود الگوهای مناسب برای حجاب و عفاف سبب انتخاب الگوهای نازل حجاب در جامعه می‌شود. اصلاح هندسه‌های معرفتی در خصوص ترویج مسئله حجاب و عفاف مستلزم ارائه فواید و آثار آن است؛ چه اینکه فواید حجاب در حدی است که بدون آن فرد و جامعه دچار لغزش و آسیب جدی خواهند شد.

منابع

۱. اردوبادی، احمد صبور، آیین بهزیستی اسلام، خودآرایی، پوشاک سیاه و مسئله حجاب، [بی‌جا]، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۴.
۲. بشر، سید عبدالله، ترجمه کتاب اخلاق، محمد رضا جباران، [بی‌جا]، هجرت، چاپ هفتم، ۱۳۸۰.
۳. پاینده، ابوالقاسم، ترجمه نهج الفصاحه، قم، جاوید، چاپ سوم، ۱۳۷۳.
۴. حر عاملی، محمد بن حسین، تفضیل وسائل الشیعه، قم، مهر، ۱۳۷۰.
۵. خمینی، روح‌الله، ترجمه تحریر الوسیله، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۳.
۶. رضی، شریف، متن کامل نهج البلاغه، محمد بهشتی، [بی‌جا]، شهریور با همکاری تابان، چاپ سوم، ۱۳۷۹.
۷. روحانی علی آبادی، محمد، داستان‌های عبرت‌انگیز از زندگانی حضرت زهرا علیها السلام، [بی‌جا]، سازمان تبلیغات خودکفایی بسیج، چاپ دوم، ۱۳۷۸.
۸. ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ترجمه حمید رضا شیخی، [بی‌جا]، دارالحديث، چاپ دوم، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۹. شیرازی، عبدالکریم، مظلومیت زن در طول تاریخ، ترجمه لاله بختیاری و محمد حسن تبرائیان، [بی‌جا]، [بی‌نا]، چاپ اول، ۱۳۶۴.
۱۰. طباطبایی، سید محمد حسین، ترجمه المیزان، محمد باقر موسوی همدانی، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۰.
۱۱. فرید تنکابنی، مرتضی، راهنمای انسانیت، [بی‌جا]، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۶.
۱۲. قزوینی، سید محمد کاظم، فاطمه الزهراء از ولادت تا شهادت، علی کرمی، چاپخانه سپهر، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، فروع کافی، قم، جاوید، ۱۳۸۱.
۱۴. محمدی آشنایی، علی، مسئله حجاب، [بی‌جا]، ارم، چاپ دوم، ۱۳۷۰.
۱۵. مصطفوی، سید جواد، حجاب و آزادی، مجموعه سخنرانی و کنفرانس زن، [بی‌جا]، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۶۹.
۱۶. مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، [بی‌جا]، صدرا، چاپ چهلّم، ۱۳۷۳.

